قرآن جعبه نور (Lux light box) نهاد اسلام. قسمت سوم

(تاریخ نشر ۱۴ خرداد ۱۳۹۷ برابر با ۱۹ ماه مبارک رمضان۱۳۹۷. تاریخ آخرین بازبینی ۱۳۹۷/۹/۱۴)

- لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ، اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، از خوف خدا آن را ترسیده و شکاف خورده می دیدی و این مثالهایی است که برای مردم می آوریم ، شاید به فکر فرو روند (حشر/۲۲).

جالب است کوه تحمل این کتاب را ندارد. تعدادی تحمل تفسیر آن را ندارند و تعدادی بی خبر از خدا و پیامبر در آیات این کتاب ایجاد شبهه و تردید می کنند! بدین مضمون که ۱۵٪ این آیات موردی است و مربوط به آن روز جزیره العرب است! نمی دانند اگر همین ۱۵٪ آیات از این کتاب برداشته شود نه کوه ها که کوخ ها هم تحمل آن را دارند.

- فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ- پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم (قرآن) ایمان آورید و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

- هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ – این کتاب برای عموم مردم (ناس) مایه بصیرت و بینش است و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت است (جاثیه/۲۰). دو گنج دست به نقد خدا برای بندگان خاص و عام: خواندن این کتاب مایه بصیرت همگان و عمل کردن به همه آیات آن (بدون تخفیف/تعدیل/ذبح/..) موجب هدایت و رحمت اهل یقین است.

- خداوند منزل قرآن و حافظ و نگهبان ۶۲۳۶ آیه خود است.

این آیات مطابق با آیات زمین و آیات آسمان است. بلکه بالاتر از آن از جنس آیات روز معاد است. هر آیه ائی وزن و فرق و عطر خود را دارد. آیه گمنام و بیکار و بیعار نداریم. همه حروف آن بار علمی و الهی دارند. به وظایف خود بسیار آشنا هستند. یک آیه ناتو کار قرآن را می سازد! همچنانکه یک دروغ کار یک انسان مومن و متقی را می سازد. نمی گوئیم بروید آیه مشابه بیآورید می گوئیم بروید اغلاط و اغراض آن را دریابید. آیه ائی بیآورید که بوی جهل بدهد، بوی فساد بدهد، بوی گمراهی بدهد، بوی بودن بدهد، بوی ماندن بدهد، بوی سر کردن بدهد، بوی ظلم بدهد. بوی زنا بدهد، بوی قمار بدهد، بوی پول بدهد،...

- این آیات بهم پیوسته هستند. با هم معنا و معنی پیدا می کنند. با هم بهشت و جهنم افراد را تعیین می کنند. امتحان خدا از روی این کتاب است. کتاب دعا را رها کنید. قرآن را بچسبید. تنها منبع و مخزن سئوالات امتحانی از این کتاب است.

- ذَلِکَ الْکِتَابُ لَارَیْبَ فِیهِ هُدًی لِلْمُتَّقِینَ- این است کتابی که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقواپیشگان است. آیه ۲ سوره بقره- دومین آیه از دومین سوره قرآن). همچانکه قبلا نوشتم ممکنست یک مسلمان اسمش یادش برود اما این آیه ابتدای قرآن فراموش نمی شود. پیام روشن این آیه: شک نکنید. همه قرآن را دربست بپذیرید. مبادا در اصالت و حقانیت آنها شک و تردید بکنید.
- وَالَّذِینَ سَعَوْا فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِیمٌ و کسانی که در [ابطال] آیات ما کوشش می ورزند که ما را درمانده کنند برایشان عذابی از بلایی دردناک باشد (سبا/ ۵).
- وَالَّذِینَ سَعَوْا فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَحِیمِ- و آنان که در رد و انکار آیات ما سعی و کوشش کردند تا ما را به زانو درآورند آنها اهل آتش دوزخند. حج/ ۵۱).
- یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَیَأْبَی اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ- می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید (توبه/۳۲).
- اشْتَرَوْا بِآیَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِیلًا... -آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند.....(توبه/۹).
- ....قُلْ هُوَ لِلَّذِینَ آمَنُوا هُدًی وَشِفَاءٌ وَالَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ فِی آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَیْهِمْ عَمًی أُولَئِکَ یُنَادَوْنَ مِنْ مَکَانٍ بَعِیدٍ-...

و اگر ما قرآن را غیر عربی نازل می کردیم آن وقت عربها می گفتند چرا آیاتش جدای از هم نیست و چرا با عرب به زبان غیر عربی و یا غیر فصیح صحبت می کند. بگو این قرآن برای کسانی است که ایمان بیاورند که اگر عرب باشند و یا غیر عرب قرآن برای آنان هدایت و شفاء است و کسانی که ایمان نمی آورند در حقیقت گوششان دچار سنگینی شده و همین قرآن مایه کوری آنان است و به همین جهت تو گوئی از فاصله ای دور ندای قرآن را می شوند (فصلت/۴۴).

- سَنُرِیهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ یَکْفِ بِرَبِّکَ أَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ- ما آیات (قدرت و حکمت) خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملا هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا (و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه) بر حق است. آیا همین حقیقت که خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواه است کفایت (از برهان) نمی‌کند؟ (فصلت/۵۳).
- طبق روایات شیعی برخی از این آیات سجده دارند و به هنگام خواندن و یا شنیدن آنها انسان مومن باید به سجده بیفتید (سجده واجبه). آیاتی هم هستند که سجده ندارند اما مستحب است سجده مندوبه بکنند. **اهل تسنن البته آیات سجده دار را در قرآن قبول ندارند.**
- چهار آیه از چهار سوره قرآن که سجده واجب دارند:

۱. سوره نجم آیه ۶۲

۲. سوره علق آیه ۱۹

۳. سوره سجده آیه ۱۵

۴. سوره فصلت آیه ۳۷

- سوره هایی که سجده مستحبی یا مندوبه دارند عبارتند از:

۱. سوره اعراف آیه ۲۰۶

۲. سوره رعد آیه ۱۵

۳. سوره نحل آیه ۵۰

۴. سوره اسرا آیه ۱۰۹

۵. سوره مریم آیه ۵۸

۶. سوره حج آیه ۱۸

۷. سوره حج آیه ۷۷

۸. سوره فرقان آیه ۶۰

۹. سوره نمل آیه ۲۶

۱۰. سوره ص آیه ۲۴

۱۱. سوره انشقاق آیه ۲۱

- متاسفانه کار بندگان خدا تبدیل اعجاز خدا به معاجز (عجز) است. بیشتر اهل تسنن معتقد به وجوب سجده واجبه نیستند! چه بماند مستحبی. نتیجه اش می شود مسلمانی امروز ما. آیات در ذهن من می لنگند!! من لنگان چگونه بار با این لنگی بار امانت خدا را بر دوش بکشم که زمین و آسمان از پذیرفتن آن اعراض کردند. جز این است که منم انسان ظلوم و جهول؟ (انّا عَرَضنا الاَمانَةَ علی السَّمواتِ و الارْضِ و الجبالِ فَاَبَیْنَ اَنْ یَحْمِلْنَها وَ اَشْفَقْنَ مِنها وَ حَمَلَها الاِنسانُ اِنَّهُ کانَ ظلُوما جَهولاً (احزاب/۷۲).

- در وجوب سجده به چند آیه اینقدر اختلاف است. درباره این آیه نظر ما چیست؟ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ- چون بر آنان قرآن تلاوت می شود چهره بر خاک نمی سایند (انشقاق/۲۱).

- یک نشان روشن و بی تبصره از تعریف مومن و مومنه: وَ ما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبيناً- بر هیچ مرد و زن مؤمن در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (رای خلاف ندهد). و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند دانسته به گمراهی افتاده است (احزاب/ ۳۶). این ما و این هم آیه ایمان! این کتاب دین و آن هم کتاب عمل ما!

حروف مقطعه الم (ال لام میم) در اول سوره بقره

الم اسرار حق است

قسم اسما حق است

نظر تا نزد حق است

مثال انذار حق است

ن و القلم

۱۳۹۲

جمله ائی داری بخوان بی جمله ای با من بخوان

قصه ائی داری بخوان بی قصه ای با من بخوان

خلعت ما یسطرون "ن و القلم" بر تن بکن

نامه ها داری بخوانی بی نامه ائی با من بخوان

در حد قرآن قرآن نخواندیم

۱۳۹۷/۱/۱۵

در حد قرآن قرآن نخواندیم

یک آیه بیشتر قرآن نخواندیم

از آیه... بیشتر نخوانیدیم

جز آیه ... بهتر نخوانیدیم

با اینهمه من قرآن نخواندم

چون درنیافتم قرآن نخواندم

او مهربان است قرآن نخواندیم

با قاریان ما قرآن نخواندیم

قرآن خدا بود قرآن نخواندیم

با ما خدا بود قرآن نخواندیم

گفتیم بخوانیم گفتیم نخوانیم

آخر رسیدیم قرآن نخوانیم

قاری کجا بود ما را بخواند

قاری ندیدم ما را بخواند

آن نور مطلق

آن سود مطلق

بر ما نبارید قرآن نخواندیم

با دست نوشتیم

قرآن نخوانیدیم

یک آیه بیشتر قرآن نخواندیم

الله اکبر دیگر نخواندیم

در کنج خانه دیدیم خدا را

در کنج خانه قرآن نخواندیم

با گوش سر ما قرآن شنیدیم

با هوش سر ما قرآن نخواندیم

دلهای راضی هرگز نیاسود (إِذَا ذُكِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ.... هرگاه نام خدا برده شود دلهایشان لرزان شود و چون آیات قرآن تلاوت شود ایمانشان افزون و توکلشان بیشتر می شود. سوره انفال/۲)

ایمان نیافزود قرآن نخواندیم

تقوا بدارد

تنها نماید

بر اشک مردم دنیا گشاید

گاهی دلم بود

گاهی زبانم

من کم نگفتم قرآن گشودم

این گفتنی نیست

چند بار گشودم

چند بار غنودم

در محضر او پیمان گشودم

نفسی ندیدم قرآن نخواند

ایمان که باشد قرآن بخوانند

قرآن که خوانند

ساکت نباشند (وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ- و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید و سکوت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید. اعراف/۲۰۴)

در خلوت ای دل رازی گشایند

اینقدر بدانم قرآن نخوانیدم

در حد قرآن قرآن نخواندیم

- قرائت یک یا چند جزء از قرآن در یک روز بمانند خواندن چندین صفحه دیکشنری در یک روز است. تنها تفاوت این دو در آنست که در اولی برای خواننده ثواب می نویسند و برای دومی کباب. خواندن یک آیه و عمل کردن به یک حرف از آیه، حرف اول و آخر قرآن است. اگر می شد کل نماز عمر را در یک روز خواند و از خواندن نماز فارغ شد دیگر نیازی به نماز نبود. مقصود از نماز بالا رفتن از دیوار دنیا بطور روزانه است. یک پله زیر پا را مرتفع کردن است. پریدن در این عرصه که کار ساز نیست. جهشی بالا رفتن هم حد و حدودی دارد.

وگرنه می گذاشتند یک دانش آموز کلاس ابتدائی تا دانشگاهی در یک روز و یکسال به اتمام برساند. بلی در تمام عمر برای رسیدن به مقصد امر واجب است. اما پریدن تماشائی ترین صحنه زندگی است که دیدن دارد. بدون رفتن، بدون دویدن، پریدن غیرممکن است.

- **قرآن نسبت به تورات و انجیل یک کتاب کامل، منسجم و کاملا محافظت شده است. هر سه کتاب تورات و انجیل و قرآن در ابتدا تک جلدی بودند. نام هیچکدام در قرآن به صورت جمع نیآمده است.**

اما امروز تورات ۵ جلد و انجیل عهد جدید که به نام اناجیل معروف است شامل ۴ انجیل بنام های انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا است. به لطف خدا قرآن پس از گذشت ۱۴۰۰ سال و اندی همچنان بسته یک جلدی است. دشمنان خواستند از آیات اش کم بکنند اما نه صفحات آن و نه آیات آن کم و بیش شدنی نیست. اسم این معجزه نیست پس چیست؟

- در قسمت های قبل راجع به استخاره نوشتم.

اما نوشتن خوب و بد و متوسط در بالای صفحات قرآن برای راهنمائی استخاره کنندگان امری عجیب و غریب است. دور از شان آیات است.

زیرا آیات قرآن در همه سوره ها از یک نوترکیبی خاصی برخودار است. نه تنها یک صفحه که یک آیه هم ممکنست مشتمل بر چند مفهوم متفاوت باشد. لذا استخاره کننده ممکنست کل صفحه یک قرآن را بخواند و متوجه بد و خوب استخاره خود نشود. مگر شانس بیآورد و آیات اول تمام کننده باشند. مهمتراز آن عموما آیه اول سمت راست صفحه مدنظر قرار می گیرد و آیات صفحه روبرو مغفول می ماند. در واقع شما با استخاره به روش "خوب و بد و متوسط" بر نصف قرآن استخاره می کنی. لذا استخاره کار تخصصی است و به شیوه فوق میسر نیست. جز اینکه فرد را وادار می کنیم فال حافظ را

با استخاره قرآن یکی بگیرد. چنین تصوری موجب می شود شخص اولا برای هرکار کوچک استخاره بکند. ثانیا برای حصول به نتیجه مطلوب خود دست به استخاره های متعهد بزنند.

نور شب قرآن بخوان

۱۳۹۷/۳/۱۴

القاریان

قرآن بخوان قرآن بخوان

قرآن نبود احسان بخوان

احسان نبود ایمان بخوان

راز حق بر من بخوان

اعظم نبود اکرم بخوان

یک نوا رحمان بخوان

دیگر نوا عمران بخوان

نور شب بر من خوان

در نور شب روشن بخوان

فرق ماست فرمان بخوان

فرمان نبود آسان بخوان

وَالتِّینِ وَالزَّیْتُونِ بخوان

زیتون نبود سِینِینَ بخوان

مردگان یاسین بخوان

بر زندگان دائم بخوان

- سوره های آخر قرآن بیشتر اخروی است تا دنیوی. برای خروج از دنیا طراحی شده است تا ماندن. در واقع زمینه ساز ورود به آخرت است. همچناکه در مقدمه این فایل ها آمد: سوره های جزء بیست و نهم و سی ام، سواحل اقیانوس های معنویت هستند و سوره های بزرگ خود اقیانوس ها هستند در همین ارتباط است. سوره های آخر قرآن ساحل نجات هستند. یک عمر اقیانوس پیمائی و لحظات آخر عمر آرمیدن در ساحل ایمن.

- قرآن کتاب آگاهی و پیش آگاهی است. دعا درمان نادانی است. با پیروی از آیات قرآنی فرد مومن- ایمن می شود. صاحب فضل می شود (وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا-و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا فضلو بخشایشی فراوان خواهد بود (احزاب/۴۷). با خواندن دعا فرد موهن موقف می شود. دعا اوراق است. قرآن اوتاد است. قرآن نسخه نجات است. ناهی دنیا و آمر دنیا است. توشه آخرت با هر دو ممکن است. اما توشه دنیا با قرآن است. همیشه مشتعل است. قرآن منفعل نیست. خنثی نیست. باری به هر جهت نیست. این است و جز این نیست است.
- یک مومن وقتی می تواند ادعای ایمان بکند که حرکت آیات، پرواز آیات، اتصال آیات را حین دیدن و خواندن و شنیدن به سمت خود و به سمت بالا و آیات به آیات حس بکند. وقتی الرحمن و الرحیم را روی نوشته ائی می خواند با خواندن آن حرکت آن را به سمت خود حس بکند. وقتی صفات مومن را می خواند همه را در خود جمع ببیند.
- تاویل، کار واصلان و آمران بالحق، و تفسیر، کار والهان و راهیان الی الحق است.

حضرت خضر (ع) یکی از آن واصلان بالحق است. او به فرمان خدا نوجوانی را می کشد (کهف/۷۴)، دیواری را مرمت (کهف/۷۷) و دیواری را تخریب می کند (کهف/۸۲)، و کشتی را سوراخ می کند (کهف/۷۹). و هنگامیکه با اعتراض حضرت موسی (ع) روبرو می شود از تاویل کارهای خود می گوید (کهف/۷۸ و کهف/۸۲). یعنی همزمان که فرمان می برد از عاقبت فرمان هم با خبر است.

تاویل کننده یک تفسیر واحد از آیات دارد. زیرا تاویل کننده قرآن، تشریح کننده نص قرآن و کنه قرآن است. این مهم همواره تاریخ بر عهده پیامبر و اولیا بوده است. درحالیکه هر مفسر یک برداشت از آیات را دارد. نوری که تاویل کننده به آیات می تاباند نور حق و نوری که مفسر به آیات حق می اندازد نور برداشت از آیات حق است. بنابراین، مفسر در تفسیر خود با همتا و تاویل کننده در تاویل خود بی همتا است. هر دو ماجورند. اما اجر حضرت خضر کجا و اجر مفسر کجا؟